

سلوک اخلاقی شوهر با همسر در اندیشه اسلامی

حسن سراج‌زاده*

چکیده

در میان اعضای خانواده ارتباط‌های مختلفی مانند ارتباط عاطفی، حقوقی، فقهی و ... وجود دارد. یکی از انواع ارتباط‌ها میان مرد و زن در خانواده، رابطه اخلاقی میان آن دو است. این رابطه، گاهی از سوی مرد و گاهی از سوی زن مطرح می‌شود؛ هم‌چنان که رابطه اخلاقی ممکن است از منظر اثباتی و ذکر فضایل و بایدها بررسی شود و ممکن است از منظر سلبی و بیان رذایل و نبایدها.

آنچه در این پژوهش کانون توجه بوده، بررسی رابطه اخلاقی و بیان بایسته‌های اخلاقی شوهر در رابطه با همسر از نگاه اسلام است. پرسش اصلی این است که سخن اسلام درباره سلوک اخلاقی شوهر با همسر چیست و چه بایدها و فضایی را برای معاشرت مرد با همسر در روابط زناشویی مطرح می‌کند.

در پاسخ به این پرسش و با بررسی برخی آیات و روایات، به شیوه

*- عضو هیأت علمی و مدیر گروه اخلاق مرکز مطالعات اسلامی اصفهان.



توصیفی تحلیلی، به این نتیجه رسیده‌ایم که افزون بر غلبه نگاه اخلاقی دین به روابط مرد و زن و پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی لازم، از نظر قرآن، اصل محوری‌ای که مرد باید در روابط میان خود و همسرش مراعات کند، معاشرت نیکوست. روایات نیز افزون بر این که به طور کلی بر معاشرت نیکو با همسر تأکید کرده‌اند، مصادیقی از این معاشرت و سلوک اخلاقی را بیان داشته‌اند که در این پژوهش، ده مصداق از آن، در گفتار و رفتار اولیای دین ذکر شده است.

واژه‌های کلیدی

اخلاق خانواده، اخلاق زناشویی، اخلاق دینی، اخلاق کاربردی، معاشرت نیکو، سلوک اخلاقی.

مقدمه

روابط میان مرد و زن در قلمرو خانواده که از آن به رابطه زناشویی یا رابطه متقابل شوهر و همسر یاد می‌شود، شامل انواع روابط؛ هم‌چون رابطه حقوقی، فقهی، اقتصادی و عاطفی می‌شود. یکی از انواع روابط زناشویی، رابطه اخلاقی میان زن و مرد در خانواده است. این رابطه اخلاقی را هم می‌توان از منظر رابطه مرد با زن و هم بالعکس، از منظر رابطه زن با مرد بررسی کرد؛ هم‌چنان که این رابطه، هم می‌تواند جنبه‌های مثبت اخلاقی را در برگیرد و از فضایل و بایدها سخن بگوید و هم می‌تواند جنبه‌های منفی رابطه را مورد توجه قرار دهد و رذایل و نبایدها را مطرح نماید. آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده، رابطه مثبت اخلاقی مرد با زن است که با عنوان سلوک اخلاقی شوهر با همسر از آن یاد شده است و در آن، از منظر اسلام،

فضایل و بایسته‌های یک سلوک اخلاقی که یک شوهر در قبال همسرش ملزم به رعایت آن است، طرح کرده‌ایم.

سلوک اخلاقی به معنای رفتارهایی است که یک شخص در زندگی خود با دیگری با معیار اخلاق، انتخاب می‌کند. می‌توان با معیار اخلاق رفتارها، صفت‌ها، کارها و اشخاص خوب و بد، شایست و ناشایست را تشخیص داد. در تعریفی، اخلاق، آئین زندگی دانسته شده که به انسان شیوه و چگونگی خوب زیستن و چگونه خوب بودن را می‌آموزد؛ (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۹۱) از این‌رو، ملاحظه می‌شود که در اخلاق، از خوب و بد، باید و نباید، درست و نادرست و وظیفه و مسئولیت سخن گفته می‌شود تا انسان را در زندگی اخلاقی او یاری و راهنمایی کند.

در اندیشه اسلامی و در متون قرآن و روایات، به گزاره‌هایی برخورد می‌کنیم که مردان و زنان را در شیوه و چگونگی زیستن در یک خانواده راهنمایی کرده و باید‌ها و نبایدها و خوب و بدهایی را آموزش داده‌اند. این نوع راهنمایی‌های اخلاقی را که در خصوص مسایل خانواده و روابط زناشویی مطرح شده است اصطلاحاً اخلاق کاربردی می‌گویند.

یکی از عوامل استحکام خانواده و تقویت روابط میان مرد و زن، آشنایی و کاربرد اصول اخلاقی در زندگی به‌ویژه از ناحیه شوهر است. از سوی دیگر، بهترین راهنمایی‌های اخلاقی را در روابط زن و مرد، می‌توان از سرچشمه زلال وحی و سخنان پاک معصومین علیهم‌السلام استفاده کرد. از همین رو، این پژوهش برخلاف آثاری که با خلط اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی و هم‌چنین، تفکیک نکردن میان وظایف اخلاقی هریک از زن و شوهر از یک سو، و جدانکردن باید‌ها و نبایدها (فضایل و رذایل) از سوی دیگر، پژوهش ناقصی را انجام داده‌اند، در صدد است تا به شیوه نقلی و با توصیف

و تحلیل برخی متون دینی، توضیح دهد که از نظر اخلاق کاربردی، در قرآن و روایات اسلامی چه رفتارهای اخلاقی از جانب شوهر مورد انتظار است و چه اصول مثبت اخلاقی را باید در برابر همسر خود اجرا نماید. بر این اساس، در دو قسمت؛ یکی از منظر قرآن و دیگری از منظر روایات (و به تفصیل بیشتر از قرآن و آنچه در تحقیقات دیگر آمده)، سلوک اخلاقی شوهر با همسر پی گرفته شده است.

سلوک اخلاقی با همسر در قرآن

قرآن با گزاره‌های مختلف اخلاقی، بر سلوک اخلاقی زن و مرد تأکید کرده است؛ اما مهم‌ترین و صریح‌ترین تعبیری که بر سلوک اخلاقی مرد با همسر اشاره دارد، آیه نوزده سوره نساء است که با یک تعبیر عام: ﴿عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۱ به مردان سفارش می‌کند تا با زنان و همسران خود معاشرت نیکو داشته باشند. روشن است که سلوک و معاشرت اخلاقی با همسر، نمونه‌ای از معاشرت نیکو با همسر است. برای آگاهی بیشتر از معاشرت به معروف، که از نظر قرآن، اساسی‌ترین اصل در رفتار و سلوک مردان با زنان و همسران است، به طور خلاصه ابتدا، جایگاه معروف در روابط زناشویی از نظر قرآن، آن‌گاه معنای معاشرت به معروف، سپس نمونه‌ها و مصادیق معاشرت به معروف را بررسی می‌کنیم.

۱- «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ «با همسرانتان به نیکی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن خیر و مصلحت فراوان قرار می‌دهد.» (نساء/۱۹)

جایگاه معروف در روابط زناشویی

واژه معروف در قرآن، در ۴۰ آیه به کار رفته است.^۱ از این تعداد، ۱۰ آیه به موضوع امر به معروف اشاره دارد و ۱۹ آیه به موضوع خانواده و روابط میان اعضای آن، مانند زن و شوهر و پدر و مادر، می‌پردازد. ۱۱ آیه نیز به غیر این دو موضوع اختصاص دارد. از ۱۹ آیه‌ای که به روابط میان اعضای خانواده پرداخته، بیشترین آیات، یعنی ۱۴ آیه، درباره رابطه شوهر با همسر است.^۲ در این موارد که به مسائلی هم‌چون زندگی مشترک با همسر، خواستگاری از زن، مهر و طلاق توجه دارد، «معروف» به عنوان یک الگو و شیوه رفتار با زن و همسر معرفی شده است که نشان از اهمیت و جایگاه محوری «معروف» در روابط زناشویی به‌ویژه رابطه شوهر با همسر دارد.

معنای معاشرت به معروف

معاشرت به معروف، یعنی معاشرت و هم‌نشینی نیکو؛ معاشرتی که مورد پسند عقل و شرع بوده و در نزد مردم جامعه سالم - که در مسیر فطرت پاک الهی گام می‌نهند - معروف و شناخته شده باشد. با توجه به معنایی که برای معروف شده، این تعریف بهتر روشن خواهد شد. راغب اصفهانی در تعریف معروف گفته: معروف، انجام هر عملی است که «خوبی» آن از طرف عقل و

۱- عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص ۴۵۸. لازم به ذکر است در قرآن ۳۹ بار با لفظ معروف و یک بار با لفظ عرف، [و أمر بالغرف (۱۹۹/ اعراف)]، به مفهوم معروف اشاره شده است.

۲- مانند: «وَأَكْهَنَ مِثْلَ الْاَذَى عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/ ۲۲۸) «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ سَرَخُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/ ۲۳۱) «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/ ۲۴۱) «وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/ ۲۵)

شرع شناخته شده باشد.^۱ برخی از مفسران نیز معروف را هر عملی که عقل و نقل معتبر آن را «پسندد» و به رسمیت بشناسد، تعریف کرده‌اند. (جوادی آملی، ۱۴۵: ۱۳۸۸ و ۱۶۰) علامه طباطبایی نیز می‌گوید: چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده، معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند؛ البته مردمی که راه فطرت پاک الهی را پیموده، و از حدی که نظام خلقت برای آنها تعیین کرده، عدول نکرده باشند.^۲

بنابراینچه گذشت درمی‌یابیم که ملاک برای این که تشخیص دهیم چه نوع معاشرت و عملی از سوی شوهر، نیکو و معروف است باید ملاحظه کرد اگر آن معاشرت و سلوک دست کم نزد عقل یا شرع یا عرف و جامعه انسانی «خوب و مورد پسند» واقع شود و آن را به رسمیت بشناسند، در این صورت، معاشرتی نیکو و سلوکی پسندیده خواهد بود.

درباره این که چه نوع معاشرت و سلوکی از نظر شرع، پسندیده و نیکو است و به عبارتی، مصادیق این معاشرت نیکو از دیدگاه شرع کدام است، در بخش سلوک

۱- المعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل أو الشرع حسنه، والمنكر ما ينكر بهما. (الراغب الأصفهاني، مفردات غريب القرآن: ۳۳۱).
۲- «المعروف هو الذي يعرفه الناس بالذوق المكتسب من نوع الحياة الاجتماعية المتداولة بينهم، فالمعروف تتضمن هداية العقل، و حكم الشرع و فضيلة الخلق الحسن و سنن الأدب. و حيث بنى الاسلام شريعته على أساس الفطرة و الخلقه كان المعروف عنده هو الذي يعرفه الناس إذا سلکوا مسلک الفترة ولم يتعدوا طور الخلقه» (الطباطبائي، الميزان، ج ۲: ۲۳۲). «معروف» به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بدانند و با آن مانوس باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد سازگار باشد و به ذوق نزنند. بنابراین کلمه «معروف» هم متضمن هدایت عقل است و هم حکم شرع و هم فضیلت اخلاقی و هم سنت‌های ادبی و انسانی (آن عملی معروف است که هم طبق هدایت عقل صورت گرفته باشد و هم با حکم شرع و یا قانون جاری در جامعه مطابق باشد و هم با فضائل اخلاقی منافی نباشد و هم سنت‌های ادبی آن را خلاف ادب نداند) (موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲: ۳۴۹). «المعروف هو الامر الذي يعرفه الناس في مجتمعهم من غير أن ينكروه و يجهلوه» (الطباطبائي، الميزان، ج ۴: ۲۵۵).

اخلاقی شوهر در روایات پرداخته‌ایم. دربارهٔ مصادیق عقلی و عرفی معاشرت نیکو نیز باید رفتار مربوطه را با عرضه به عقلا و عرف جامعه تشخیص داد.^۱

نمونه‌ها و مصادیق معاشرت به معروف

صاحب‌نظران، بحث معاشرت به معروف را هم در فقه و حقوق و هم در اخلاق مطرح نموده‌اند. به تعبیر دیگر، معاشرت به معروف، هم مصادیقی در فقه و حقوق دارد و هم در اخلاق؛ از این رو، مفسران قرآن در تفسیر معاشرت نیکو، هم به رعایت کردن حقوق زن به‌ویژه در امور مالی از طرف شوهر اشاره کرده‌اند و هم به رعایت اخلاق؛^۲ و این نشان می‌دهد که یکی از مصادیق معاشرت نیکو با همسر همان معاشرت اخلاقی یا سلوک اخلاقی با وی است؛ چراکه در علم اخلاق ثابت شده، رفتارها و سلوک‌های اخلاقی، همان رفتارهای نیک و پسندیده‌ای است که خوبی آن از ناحیهٔ عقل و شرع به رسمیت شناخته شده است.

سلوک اخلاقی با همسر در روایات

در تحلیلی از روایات اسلامی که بر سلوک اخلاقی مرد با همسر دلالت می‌کنند، آنها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. گروه نخست، روایاتی هستند که به اهمیت

۱- در بحث معاشرت به معروف در حقوق زنان مانند نفقه، دربارهٔ اینکه ملاک معروف چیست، میان صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی از جمله پسند زن، عرف شهر محل سکونت زن، سطح طبقهٔ اجتماعی زن و مرد مطرح شده که به نظر می‌رسد در بحث اخلاق، برخلاف حقوق، اگر عرف جامعهٔ انسانی و عقلا در کنار شرع، ملاک معروف باشد با فراملی بودن قلمرو اخلاق سازگارتر است. (برای آگاهی از اختلاف صاحب‌نظران ر.ک: جمعی از نویسندگان، زن و خانواده در افق وحی: ۱۷۴).

۲- رای نمونه ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۲: ۵۷۵؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۹۷.



رفتار نیکو با همسر و حتی لزوم آن اشاره دارند. گروه دوم، روایاتی هستند که با عناوینی کلی، هم چون معاشرت جمیل، همنشینی نیکو (حُسن صحبت) و ... مردان را دعوت و تشویق به رفتار نیکو با همسر می‌کنند و گروه سوم روایاتی هستند که صریحاً به بیان مصادیقی از معاشرت نیکو با همسر پرداخته و مردان را در سلوک اخلاقی با همسر راهنمایی می‌کنند.

گروه نخست: روایات و اهمیت سلوک اخلاقی با همسر

در گروه نخست از روایات، با دو شیوه، به اهمیت و لزوم معاشرت نیکوی مردان با همسران اشاره شده است. شیوهٔ نخست، «سفارش»هایی است که از سوی خدا، به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان الگوی همهٔ مردان عالم شده و همین‌طور سفارش‌هایی که از سوی پیامبر و اولیای دین عَلَيْهِمُ السَّلَام به مردان برای رعایت حال زنان شده است. شیوهٔ دوم، «هشدار»هایی است که به مردان داده شده است تا نسبت به رعایت حال زنان و همنشینی نیکو با آنها به تکلیف اخلاقی خود عمل کنند و حقی را که همسران بر عهدهٔ شوهران دارند، ادا کنند.

الف: سفارشی زنان

در چند روایت، دربارهٔ رعایت حال زنان از ناحیهٔ خداوند به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفارش‌هایی شده و همین‌طور خود ایشان و اولیای دین نیز در این باره به مردان توصیه‌هایی نموده‌اند.



رسول خدا ﷺ فرمود: برادرم جبرئیل [از ناحیه خدا] پیوسته مرا درباره زنان سفارش می نمود؛ چندان که گمان کردم شوهر حق ندارد حتی به زن «أف» بگوید. در روایت دیگری، پیامبر خدا ﷺ فرمودند: جبرئیل آن قدر درباره زن به من سفارش کرد که گمان کردم طلاق او جایز نیست مگر به خاطر انجام فحشای آشکار [زنا].^۲

در روایات دیگر، خود پیامبر اکرم و سایر پیشوایان دین نیز، سفارش هایی را به مردان برای رعایت حال زنان کرده اند که از جمله، می خوانیم:

عبدالرحمان بن حجاج می گوید امام موسی کاظم علیه السلام وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام را برایم فرستاد و آن، چنین بود که «خدا را خدا را درباره زنان و مملوکانتان در نظر بگیرید؛ زیرا آخرین سخنی که پیامبرتان به زبان آورد این بود که شما را درباره رعایت حال دو ناتوان سفارش می کنم: زنان و مملوکانتان.^۳ امام باقر علیه السلام نیز فرمودند، بادیه نشینی از قبیله بنی تمیم خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و درخواست سفارش کرد، از جمله سفارش هایی که حضرت به او کردند این بود که ای فلانی! در پیشگاه زن و فرزندان، نسبت به انجام کارهای نیک، هیچ چیز را کم مگذار.^۴ در حدیثی

۱- قال رسول الله ﷺ: أخبرني أخی جبرئیل، ولم یزل یوصینی بالنساء حتی ظننت أن لا یحل لزوجها أن یقول لها: أف (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، صص ۲۵۲ و ۲۵۳).

۲- أوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها إلا من فاحشة مبینة (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۲، حرعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۰، ص ۱۷۰).

۳- الله الله فی النساء و فیما ملکت ایمانکم فإن آخر ما تکلم به نبیکم صلی الله علیه و آله أن قال: أوصیکم بالضعیفین: النساء وما ملکت ایمانکم (کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۵۲).

۴- عن أبی جعفر علیه السلام قال: إن أعرابیا من بنی تمیم أتى النبی صلی الله علیه و آله فقال: أوصنی، فکان فیما أوصا به أن قال: یا فلان لاتزهدن فی المعروف عند أهله (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۸، حرعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۱۶، ص ۲۹۷).

دیگر از رسول خدا ﷺ این گونه آمده است: به شما سفارش می‌کنم و دیگران را نیز سفارش کنید که با زنان به خوبی رفتار کنید؛ زیرا آنها در [ساختار خانواده] در تحت اداره شمایند.^۱ هم‌چنین حضرت علی علیه السلام در سفارشی به فرزندشان فرموده‌اند: زن گل است و لطیف، نه کارگزار و دلیر؛ بنابراین، باید در هر حال با او مدارا کنی و به نیکی با او معاشرت کنی تا زندگی‌ات با او همراه با صفا و خوشی باشد.^۲ در بیان دیگری امام علی علیه السلام این‌طور سفارش زنان را کرده‌اند: بر تو باد ... نیکی کردن به زن و فرزندان ...^۳

از این روایات دو نتیجه می‌توان گرفت:

۱. از دیدگاه اسلامی، معاشرت نیکوی مرد با همسر یک امر مهم بلکه یک ضرورت است؛ زیرا اولاً سفارش‌های «زیاد و پیوسته‌ای» به مردان در خصوص رفتار شایسته با زنان شده است؛ به گونه‌ای که حتی کمترین بی‌احترامی به آنها هرچند «در حد اُف گفتن»، یا فاصله گرفتن از آنها با طلاق، اخلاقاً جایز نیست. ثانیاً این سفارش‌های زیاد، مستقیماً از «ناحیه خدا» و به وسیله جبرئیل، به «پیامبر خدا» صورت گرفته است. ثالثاً سفارش پیامبر برای زنان «آخرین سخن پیامبر» در آخرین لحظات عمر ایشان بوده است.
۲. علت سفارش برای زنان، چند چیز هم‌چون تحت اختیار مرد بودن آنها، ضعیف بودن و لطافت طبع داشتن زنان ذکر شده است. این امر، نگاه

۱- استوصوا بالنساء خیرا، فإنهن عوان عندکم. آی: أسراء (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۳)

۲- وصیة أمير المؤمنين علیه السلام لولده محمد ابن الحنفیة،... فان المرأة ریحانة ولیست بقهرمانة، فدارها علی کل حال وأحسن الصحبة لها لیصفو عیشک (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص ۵۵۶؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۰، صص ۱۶۸-۱۶۹).

۳- علیک بلزوم الحلال وحسن البر بالعیال و ذکر الله فی کل حال (اللیثی الواسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۳۴).

اخلاقی دین را در روابط زناشویی نشان می‌دهد؛ چراکه مردان هنگامی که به عنوان مدیر خانواده به وظایف خود قیام می‌کنند، با قدرت و اختیاراتی که دارند چه بسا به همسر خود که از این اختیارات برخوردار نیست و از این نظر ضعیف‌تر است، معاشرت نیکویی نداشته باشند یا از نظر بدنی چون زنان ضعیف‌ترند، مردان به جای استفاده از ابزار منطق و احساس، به سلاح خشنوت و زدن و آزردن زن روی آورند یا چون زنان از لحاظ عاطفی موجودی لطیف و حساس هستند، نتوانند هم‌چون مردان در برابر هجوم بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌ها مقاومت کنند و زودتر شکسته شوند، در نتیجه مردان آنها را آماج فشارهای عاطفی قرار دهند. به علت این سه ویژگی در زنان، اسلام رعایت حال آنها را کرده و به مردان سفارش‌های اکیدی برای معاشرت نیکو و سوءاستفادن نکردن از قدرت و اختیارات خود داشته است.

البته با یک نگاه کلی‌تر به خانواده، روایات، علت معاشرت نیکوی مرد با زن را تنها، وضعیت جسمی یا روحی زن یا نقشی که او در ساختار خانواده دارد و ممکن است مرد از اختیارات خود علیه زن بهره بگیرد، ندانسته و با توجه به آثار مثبتی که این نوع معاشرت برای زندگی دارد، در برخی روایات، علت غایی معاشرت نیکوی مرد با زن را تحکیم خانواده و تشکیل یک زندگی همراه با صفا و خوشی، بیان کرده‌اند.

ب: هشدار به مردان

در روایات دینی گاهی با دعوت مردان به ترس از خدا در خصوص رعایت حال زنان، گاهی با نهی از بی‌توجهی به زنان و گناه تلقی کردن این رفتار و در برخی موارد، با توجه دادن مردان به مسئولیت‌هایی که در پیشگاه خدا در قبال خانواده دارند، به سه‌گونه، به مردان دربارهٔ مراعات حال زنان

هشدار داده است که از آنها اهمیت رفتار نیکو و وظیفه مهم مردان در برابر همسرانشان روشن می‌شود.

گونه نخست: ترس از خدا و در نظر داشتن او

ترس داشتن مردان از خداوند و در نظر داشتن او درباره نحوه رفتار با همسر در هر حال، با تعبیری هم‌چون «اتقوا الله» و «الله الله» در روایات ذکر شده است. از رسول خدا ﷺ نقل است: [ای مردان!] از خدا بترسید! از خدا بترسید! در رابطه با دو فرد ضعیف؛ یکی یتیم و دیگری زن. بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش، بهترین باشد.^۱ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: از خداوند درباره دو فرد ضعیف و ناتوان بترسید. مقصود امام از دو فرد ناتوان، یکی یتیم و دیگری زنان‌اند.^۲ در روایتی که پیش از این از امام علی علیه السلام گذشت نیز ایشان فرمود: ... خدا را! خدا را! درباره زنان و مملو کانتان در نظر بگیرید؛ زیرا آخرین سخنی که پیامبران به زبان آورد این بود که شما را درباره رعایت حال دو ناتوان سفارش می‌کنم: زنان و مملو کانتان.^۳ در بیانی دیگر، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برادرم جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که ای محمد! (تو و مؤمنان) خدا را درباره زنان

۱- اتقوا الله اتقوا الله فی الضعیفین: الیتیم والمرأة، فان خیارکم خیارکم لأهله. (الحمیری القمی، قرب الاستاد: ۹۲؛ المجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴).

۲- عن سماعة، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: اتقوا الله فی الضعیفین یعنی بذلك الیتیم والنساء. (الصدوق، الخصال، ص ۳۷).

۳- الله فی النساء فیما ملکتم ایمانکم فإن آخر ما تکلم به نبیکم صلی الله علیه و آله و سلم أن قال: أوصیکم بالضعیفین: النساء وما ملکتم ایمانکم (کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۵۲).



در نظر بگیرید و از او بترسید؛ چراکه آنها در بند [و تحت اختیار] شما هستند. آنان را از خداوند به امانت گرفته‌اید و به فرمان خدا و کتاب او، به عنوان یک وظیفه و سنت و شریعت محمد بن عبدالله، آنها را بر خود حلال کرده‌اید، پس ایشان را بر شما حق واجب است.^۱

گونه دوم: نهی از پایمال کردن حق زنان

در روایات اسلامی، از بی‌توجهی مردان به زنان نهی شده و از پایمال کردن حقوق آنها (اعم از حقوق قانونی و اخلاقی که زن بر عهدهٔ مرد دارد)، سرزنش گردیده و چنین بی‌توجهی‌هایی، گناه و مستوجب لعن و دوری از رحمت خدا دانسته شده است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: برای هلاکت مرد همین بس که به همسر و خانواده‌اش رسیدگی نکند و آنها را واگذارد و دربارهٔ آنها کوتاهی کند.^۲ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: برای گناه مرد همین بس^۳ که خانواده‌اش را واگذارد و در حق آنها کوتاهی کند.^۴ در روایت دیگری، پیامبر

۱- قالت [الحولاء]: فما للنساء على الرجال؟ قال رسول الله صلی الله علیه و آله أخیرنی أخی جبرئیل، ... یا محمد: اتقوا الله عزوجل فی النساء، فإینهن عوان بین أیدیکم أخذتموهن علی أمانات الله عزوجل، ما استحلتم من فروجهن بکلمة الله و کتابه من فریضة و سنة و شریعة محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله فإن لهن علیکم حقا واجبا ... (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲).

۲- أنه نهی أن یشیع الرجل ویجیع أهله و قال: کفی بالرجل هلاکا أن یضیع من یعول، و کفی بالمرء إثمًا أن یضیع من یعول. (المغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۴).

۳- یعنی اگر مرد هیچ گناهی جز همین گناه که به همسر و فرزندان خود بی‌توجهی کند و رفتاری را که شایسته آن هستند، با آنها نداشته باشد، همین یک بی‌توجهی برای او کافی است که از گناهکاران شمرده شود و به هلاکت و عذاب جهنم دچار آید.

۴- کفی بالمرء إثمًا أن یضیع من یعول (الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۸).



خدا ﷻ فرمودند: دور است از رحمت خدا کسی که خانواده‌اش را وا می‌گذارد و درباره آنها کوتاهی می‌کند (یعنی آنها را تباه کرده و به آنها توجه و رسیدگی نمی‌کند).^۱

گونه سوم: مسئولیت‌های اخلاقی مرد در قبال همسر

در احادیث اسلامی، مردان در رابطه با خانواده و همسر خود مسئول شناخته شده‌اند؛ به طوری که از آنها درباره این که آیا با همسرانشان رفتار نیکو داشته و به خوبی آنها را نگهداری کرده‌اند یا این که با بد رفتاری، آنها را ضایع و تباه ساخته‌اند سؤال خواهد شد. بدین شکل، به مردان در این باره هشدار داده شده است. از این موضوع استفاده می‌شود که چقدر رفتار نیکو با همسر اهمیت دارد و مردان باید در برخورد با همسران خود، معاشرت نیکو را معیار رفتار خود قرار دهند و اصول اخلاقی را رعایت نمایند؛ به گونه‌ای که اگر مردی در انجام وظایف حقوقی و اخلاقی خود کوتاهی کند مسئول است و باید در پیشگاه خداوند پاسخ‌گوی رفتار خود باشد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند از هر سرپرستی درباره آنچه در تحت سرپرستی اوست، بازخواست می‌کند که آیا از آن [به نحو شایسته] باز نگهداری کرده یا تباهش کرده است؛ حتی از مرد درباره خانواده‌اش بازخواست می‌کند.^۲ در سخنی دیگر از ایشان می‌خوانیم: هر یک از شما که عهده‌دار سرپرستی و مدیریت هستید، درباره زیرمجموعه‌اش بازخواست

۱- ملعون ملعون من یضع من یعول. (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۸).

۲- أن نبی الله ﷺ قال إن الله سائل كل راع عما استرعاه احفظ أم ضیع، حتی یسأل الرجل عن أهل بینه. (ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۳۴۵).



می‌شوید ... مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آنها از او بازخواست می‌شود. زن نیز سرپرست خانه شوهر و فرزندان اوست و درباره آنها از او سؤال خواهد شد.^۱ امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: هر مردی نسبت به بندگان خود و خانواده‌اش بازخواست خواهد شد.^۲

از مجموع روایات بالا به دست می‌آید که در اندیشه دینی، اعتقاد به خداوند و معاد می‌تواند ضمانت اجرای اصول اخلاقی را در زندگی زناشویی در پی داشته باشد و مردان را به سلوک اخلاقی با همسران سوق دهد. مردان باید رفتار و کردار خود را با همسر و خانواده، تحت نظارت و حسابرسی خداوند که قدرتش از همه قدرت‌ها برتر است بدانند و درباره هرگونه کوتاهی یا سوءاستفاده از قدرت بدنی یا اختیارات قانونی که اسلام در چارچوب نظام خانواده به مرد داده است در پیشگاه خداوند خود را پاسخ‌گو و مسئول تلقی کنند. از منظر اسلام، رفتارهای ناشایست مردان با همسران، گناه شمرده می‌شود؛ چراکه از فرمان خدا مبنی بر معاشرت نیکو با همسر سرپیچی کرده‌اند و در نتیجه این گناه، آنها با دوری از رحمت الهی و هلاکت و آتش دوزخ روبه‌رو خواهند شد. در سایه چنین نگرشی، این مسئولیت‌های اخلاقی می‌تواند رفتار مردان با همسران خود را به نحوی شایسته تنظیم نماید؛ به طوری که آنها جز با شیوه نیکو با همسر خود رفتار و معاشرت نداشته باشند.

۱- قال کلکم راع فمسؤول عن رعیتة فالأمیر الذی علی الناس راع وهو مسؤول عنهم والرجل راع علی أهل بینه وهو مسؤول عنهم والمرأة راعیة علی بیت بعلها وولده وهی مسؤولة عنهم و العبد راع علی مال سیده و هو مسؤول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتة. (البخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۲۵).
۲- کل امرئ مسؤول عما ملکت یمینه وعیاله. (اللیثی الواسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۹۶).



گروه دوم: روایات و دعوت کلی به سلوک اخلاقی با همسر

تعدادی از روایات، بدون اشاره به هیچ مصداقی برای سلوک اخلاقی با همسر، با عناوینی کلی، هم چون پنج عنوان «خوب بودن با همسر (خیر)»، «نیکی کردن به همسر (حُسن البرّ، احسان)»، «برخورد نیکو (اصطناعه المعروف)»، «همنشینی نیکو (حُسن الصحبه)»، و «معاشرت زیبا (معاشره جمیله)»، مردان را به معاشرت و رفتار نیکو و خوب با همسر دعوت و تشویق می کنند.

عنوان نخست: خوب بودن با همسر (خیر)

از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل است: بهترین (و خوب ترین) شما کسی است که بهترین (و خوب ترین) برای زن و فرزندان او باشد و من بهترین شما برای زن و فرزندانم هستم.^۱ در سخن دیگری از رسول خدا ﷺ آمده است: از خدا بترسید! از خدا در رابطه با دو فردِ ضعیف بترسید! یکی یتیم و دیگری زن! بهترین شما کسی است که برای خانواده اش، بهترین باشد.^۲

عنوان دوم: نیکی کردن به همسر (احسان و حُسن البرّ)

پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ فرموده اند: خانواده مرد، [در ساختار خانواده در تحت اختیار و مدیریت اویند و آنها هم چون] اسیران او هستند،

۱- خیرکم خیرکم لأهله وأنا خیرکم لأهلی. (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة (آل البیت)، ج ۲۰، ص ۱۷۱).

۲- اتقوا الله اتقوا الله فی الضعیفین: الیتیم والمرأة، فان خیارکم خیارکم لأهله. (الحمیری القمی، قرب الاسناد، ص ۹۲؛ المجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴).

محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که به اسیرانش بیشتر نیکی کند.^۱ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و همسرش روابط حسنه برقرار کرده و به او نیکی کند؛ زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را موظف به سرپرستی وی ساخته است.^۲ امام علی علیه السلام می‌فرمایند: بر تو باد به کسب روزی حلال و نیکی کردن به همسر و فرزندان و یاد کردن خدا در هر حال.^۳ در چند روایت دیگر، حضرت امام صادق علیه السلام با اشاره به آثار دنیوی نیکی به خانواده، مردان را به نیکی به همسران و اهل خانه تشویق می‌کنند، ایشان می‌فرمایند: کسی که به خانواده‌اش نیکی می‌کند، روزی‌اش فراوان می‌شود.^۴ کسی که با خانواده‌اش نیکوکار باشد، عمرش طولانی می‌شود.^۵

عنوان سوم: برخورد نیکو (اصطناعه المعروف)

زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: سه چیز است که اگر مؤمن می‌دانست عمرش طولانی و نعمتش پایدار بود: [یکم] در حال نماز، رکوع و سجود خود را طولانی کند؛ [دوم] در صورتی که بر سر سفره

۱ - عیال الرجل أسراؤه وأحب العباد إلى الله عزوجل أحسنهم صنعا إلى أسرته. (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳: ۵۵۵؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۰، ص ۱۷۱).

۲ - رحم الله عبدا أحسن فیما بینہ و بین زوجته فان الله عزوجل قد ملکہ ناصيتها وجعلہ القیم علیها. (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۰، ص ۱۷۰).

۳ - علیک بلزوم الحلال و حسن البر بالعیال و ذکر الله فی کل حال (الیثی الواسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۳۴).

۴ - من حسن بره فی أهل بیته زید فی رزقه. (الراوندی (قطب الدین الراوندی)، الدعوات، ص ۱۲۷).

۵ - من حسن بره بأهل بیته مد له فی عمره. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵).

خود غذا می خورد، زیاد بر سر غذا بنشیند؛ و [سوم] این که نسبت به خانواده اش بر خورد نیکو را اختیار کند.^۱

عنوان چهارم: همنشینی نیکو (حُسن الصحبه)

هم چنین حضرت علی علیه السلام در سفارشی به فرزندشان فرموده اند: زن گل است و لطیف، نه کار گزار و دلیر؛ بنابراین، باید در هر حال ... به نیکی با او هم نشینی کنی تا زندگی ات با او همراه با صفا و خوشی باشد.^۲ امام زین العابدین علیه السلام در رساله خود معروف به رساله حقوق می فرماید:

«حق همسرت این است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدمی و نگهداری تو قرار داده است. هم چنین هر یک از شما دو تن (زن و شوهر)، باید به خاطر دیگری خدا را سپاس بگویند و او را لطف و نعمت خداوند نسبت به خود بدانند و باید با نعمت خداوند «همنشینی نیکو داشته باشد».^۳

۱- ثلاثة ان تعلمهن المؤمن كانت زیادة فی عمره، وبقاء النعمة علیه، فقلت: وما هن؟ فقال: تطویله لركوعه وسجوده فی صلاته وتطویله لجلوسه علی طعامه إذا طعم علی مائدته، واصطناعه المعروف إلى أهله. (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۱۶، ص ۲۹۷).

۲- وصیة امیر المؤمنین علیه السلام لولده محمد ابن الحنفیة، ... فان المرأة ریحانة ولیست بقهرمانة، فدارها علی کل حال وأحسن الصحبة لها لیصفو عیشک. (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص ۵۵۶؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۰، صص ۱۶۸-۱۶۹).

۳- وأما حق رعیتک بملک النکاح، فأنت تعلم أن الله جعلها سکنًا ومستراحًا وانسا وواقیه وکذلک کل واحد منکما یجب أن یحمد الله علی صاحبه ویعلم أن ذلک نعمة منه علیه. ووجب أن یحسن صحبة نعمة الله ویکرّمها ویرفق بها وإن کان حقک علیها أغلظ وطاعتک بها ألزم فیما أحببت وکرهت ما لم تكن معصیة، فإن لها حق الرحمة والمؤانسة. وموضع السکون إليها قضاء اللذة التي لا بد من قضائها وذلک عظیم ولا قوة إلا بالله. (ابن شعبة الحرانی، تحف العقول، ص ۲۶۲).



عنوان پنجم: معاشرت زیبا (معاشرهٔ جمیله)

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است: مرد در ادارهٔ منزل و خانواده‌اش به سه خصلت نیاز دارد که باید آنها را به کار گیرد اگرچه در سرشت او نباشد: ۱. معاشرت زیبا؛ ۲. گشاده‌دستی؛ ۳. غیرت‌ورزی دربارهٔ ناموس.^۱

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که از منظر روایات دینی، رفتار اخلاقی و نیکو با همسر قلمروی وسیع دارد و محدود به تعدادی از مصادیق خاص نیست. هر نوع رفتاری که از نگاه دینی یا عرف عقلایی که در یک جامعهٔ سالم زندگی می‌کنند، خوب، نیکو، زیبا و معروف و شناخته‌شده باشد، مورد تأیید دین و اولیای دین است و مردان از نظر اخلاقی مکلف به رعایت آنها نسبت به همسرانشان هستند.

گروه سوم: روایات و بیان مصادیق سلوک اخلاقی با همسر

مصادیق خوب‌زداری

در سخنان پیشوایان دین، افزون بر دعوت کلی برای همسررداری نیکو و رفتار خوب با ایشان، در مواردی به جزئیات رفتار خوب با همسر اشاره شده و آنها مصادیقی از خوب‌زداری را با عناوین مختلف بیان کرده‌اند تا راهنمایی روشن‌تری برای معاشرت نیکو با همسران در اختیار شوهران قرار دهند.

در ادامه به ده نمونه و مصداق با عناوین: خوش‌اخلاقی با همسر، محبت به همسر، مهربانی به همسر، احترام به همسر، ملایمت و مدارا با همسر، عفو و گذشت از خطای همسر، تغافل از بدی‌های همسر، صبر بر بداخلاقی همسر، خدمت کردن به همسر و شاد کردن همسر می‌پردازیم.

۱- إن المرء یحتاج فی منزله و عیاله إلی ثلاث خلال یتکلفها وإن لم یکن فی طبعه ذلک: معاشرهٔ جمیله و سعة بتقدیر و غیره بتحصن. (ابن شعبه الحمرانی، تحف العقول: ۳۲۲).



۱. خوش اخلاقی با همسر

خوش اخلاقی و اخلاق نیکوی شوهر با همسر، یکی از بزرگ‌ترین مصادیق معاشرت به معروف و رفتار نیکو با همسر است. مقصود از اخلاق نیکو عبارت است از: برخورد ملایم و همراه با ملاحظت و مؤدبانه و خوش سخن بودن و چهره گشاده و شادداشتن. از امام صادق علیه السلام درباره تعریف خوش اخلاقی سؤال شد. حضرت فرمودند: خوش اخلاقی عبارتست از این که با برادرت، رابطه‌ای ملایم (و بدون خشونت)، و گفتاری خوش و جذاب، و برخوردی همراه با چهره گشاده و شاد داشته باشی.^۱ در مقابل خوش اخلاقی، بد اخلاقی قرار دارد و آن عبارتست از این که کسی نسبت به دیگران از جمله همسر خود، رابطه‌ای خشونت آمیز، کلامی تند و گزنده، و چهره‌ای گرفته و عبوس داشته باشد. در روایات زیادی به اخلاق نیکوی مرد با همسر خود پرداخته شده که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارشی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای علی! با خانواده و همسایگان و کسانی که با آنان معاشرت و همنشینی داری، خوش اخلاق باش تا نزد خداوند در درجات بلند نوشته شوی.^۲ در حدیثی از ایشان رسیده است: در روز قیامت، آن کس از شما به من نزدیک تر می‌نشیند که خوش خوترین شما باشد و برای خانواده‌اش بهترین کس باشد.^۳ هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱- قيل للصادق عليه السلام ما حد حسن الخلق؟ قال: تلين جناحك [جانبک]، و تطيب كلامك، و تلقى اخاك ببشر حسن. (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۶۲؛ المجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۷۱).

۲- يا علي أحسن خلقك مع أهلک وجيرانك ومن تعاشر و تصاحب من الناس تكتب عند الله في الدرجات العلی. (ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، ص ۱۴؛ المجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۷).

۳- أقربکم منی مجلسا یوم القیامة أحسنکم خلقا وخیرکم لأهله. (الصدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۴۱-۴۲).

کامل ترین مؤمنان از نظر ایمان آن کسی است که خوش اخلاق تر باشد و بهترین شما کسی است که اخلاق او با زنانش بهتر باشد.^۱ هم چنان که می فرمایند: از کامل ترین مؤمنان در ایمان کسی است که خوش اخلاق ترین و با خانواده اش مهربان ترین باشد.^۲ و باز پیامبر خدا ﷺ فرموده اند: نیک‌ایمان‌ترین مردمان کسی است که خوش اخلاق ترین آنها باشد و با خانواده اش مهربان تر باشد و من نسبت به خانواده ام مهربان ترین هستم.^۳ در سخنی دیگر، حضرت می فرمایند: آیا شما را از بهترینتان خبر ندهم؟ [بهترین شما کسی است] که فروتن و خوش اخلاق باشد و هر زمان قدرت داشت، همسرش را گرامی دارد.^۴ در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمودند: چهار خصلت است که در هر کس وجود داشته باشد ایمانش کامل است، گناهِش از او پاک می شود و پروردگارش را در حالی ملاقات می کند که از او راضی است: کسی که به تعهدات خود در برابر مردم وفا کند؛ زبانش با مردم راست باشد؛ در حضور خدا و مردم از هر زشتی ای شرم داشته باشد؛ و با خانواده اش اخلاقِ خوش داشته باشد.^۵ نیز امام صادق علیه السلام می فرمایند: شوهر در رابطه با همسرش از سه چیز بی نیاز نیست: همراهی و مخالفت نکردن با او تا بدین وسیله موافقت و سازگاری

۱- أكمل المؤمنین إيماناً أحسنهم خلقاً وخياركم خياركم لنسائهم. (الترمذی، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۱۵).

۲- ان من أكمل المؤمنین إيماناً أحسنهم خلقاً، وألطفهم بأهله. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۶).

۳- أحسن الناس إيماناً أحسنهم خلقاً والطفهم بأهله وانا ألطفكم بأهلی. (الصدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۴۱ - ۴۲).

۴- ألا أخبركم بخياركم! من لان منكبه، وحسن خلقه، وأكرم زوجته إذا قَدَرَ. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۳۵).

۵- أربع من كن فيه كمل إسلامه ومحصت عنه ذنوبه ولقى ربه عزوجل وهو عنه راض: من وفي لله عزوجل بما يجعل على نفسه للناس، وصدق لسانه مع الناس، واستحیی من كل قبیح عندالله وعند الناس، وحسن خلقه مع أهله. (الصدوق، الخصال، ص ۲۲۲).

و محبت و عشق او را به خود جلب کند؛ دوم، خوش اخلاقی با او و دلبری از او با آراستن خود در چشم وی؛ و سوم، فراهم آوردن گشایش و توسعه در زندگی او.^۱ در حدیث دیگری نقل شده، شخصی از حضرت امام صادق^۷ پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟ حضرت فرمود: خوراک و پوشاک او را تأمین کند و بر او چهره درهم نکشد. اگر چنین کند، سوگند به خدا که حق او را به جا آورده است.^۲

۲. محبت به همسر

زن موجودی عاطفی و تشنه محبت است. از این رو، یکی از نیازهای عاطفی همسر، و مهم ترین آنها، نیاز به محبت و عشق ورزی است. بهترین منبع تأمین این نیاز برای زن، نزدیک ترین شخص به او یعنی شوهر است. در روایات، از محبت به همسر به عنوان ویژگی انبیاء و اهل بیت^{علیهم السلام} و نشانه ایمان شخص مؤمن یاد شده است که هرچه ایمان بنده به خدا زیادتر شود، بر محبت اش به همسر نیز که یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداوند است، افزوده می‌شود. از این روایات، می‌توان نگاه پرمهر و عطوفت دین نسبت به همسران را دریافت.

۱- لاغنی بالزوج عن ثلاثة أشياء فيما بينه وبين زوجته وهي الموافقة ليجتلب بها موافقتها ومحبتها وهاها وحسن خلقه معها. واستعماله استمالته قبلها بالهيئة الحسننة في عينها وتوسعت عليها. (ابن شعبة الحراني، تحف العقول، ص ۳۲۳).

۲- قلت لأبي عبدالله^{عليه السلام}: ما حق المرأة على زوجها؟ قال: يسد جوعتها ويستر عورتها ولا يقبح لها وجهاً. فإذا فعل ذلك فقد والله أدى إليها حقها. (الطوسي، تهذيب الاحكام، ج ۷، ص ۴۵۷؛ حرعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۱، ص ۵۱۳).

امام صادق عليه السلام می‌فرماید: از اخلاق پیامبران - که درود خدا بر آنان باد - همسر دوستی است.^۱ از ایشان نقل شده که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از دنیای شما تنها زنان و بوی خوش را دوست می‌دارم.^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به اهل بیت ما هفت چیز عطا شده که به هیچ کس پیش و پس از ما عطا نشده و نخواهد شد: زیبایی و نورانیت، فصاحت، بخشندگی، شجاعت، علم، عمل و محبت به زنان.^۳

درباره رابطه تلازمی میان ایمان و محبت به زنان نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: هر اندازه بر ایمان بنده افزوده شود، محبتش به زنان (همسران) افزون‌تر می‌شود.^۴ امام صادق عليه السلام نیز فرموده است: هر اندازه محبت و علاقه بنده به زنان (همسران) بیشتر باشد، ایمانش افزون‌تر است.^۵ در سخنی دیگر از ایشان می‌خوانیم: گمان نمی‌کنم که هیچ مردی بر خوبی ایمانش افزوده شود، مگر آن که محبتش به زنان (همسران) افزوده گردد.^۶ این در حالی است که در مقابل، برخی روایات بر پیراسته بودن مرد مؤمن از نفرت داشتن

۱- من أخلاق الأنبياء عليهم السلام حب النساء. (کلینی، الکافی، ج ۵: ۳۲۰).

۲- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله ما أحب من دنياكم إلا النساء والطيب. (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱).

۳- قال رسول الله صلی الله علیه و آله أعطيتنا أهل البيت سبعة لم يعطهن أحد كان قبلنا ولا يعطاهن أحد بعدنا: الصبابة و الفصاحة و السماعة و الشجاعة و العلم و الحلم و المحبة في النساء. (الراوندي، النوادر، ص ۱۲۳؛ المجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۸).

۴- كلما ازداد العبد إيمانا ازداد حبا للنساء. (التمیمی المغربي، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۹۲؛ المجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۸).

۵- العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد في الايمان فضلا. (الصدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۴).

۶- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما أظن رجلا يزداد في الايمان خيرا إلا ازداد حبا للنساء. (الصدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۴).

نسبت به زن مؤمن تأکید شده و در کلامی از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: هیچ مرد مؤمنی از زن مؤمنی نفرت ندارد؛ [زیرا] اگر اخلاقی را از او نمی‌پسندد، اخلاق نیکوی دیگری در او هست که مورد رضایت او باشد.^۱ این حدیث تقریباً به این آیه قرآن اشاره دارد که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَ عَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ «ای مردان مؤمن ... با همسرانتان به شایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن خیر و مصلحت فراوان قرار می‌دهد.»^۲

۳. مهربانی به همسر

دعوت به مهربانی با همسر و برخورد با ظرافت و دقت با وی و رفتار متناسب با روحیه لطیف و حساس با همسر و پرهیز از ناراحت و خشمگین کردن وی، از دیگر دستورات اولیای دین درباره زنان است.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: نیک‌ایمان‌ترین مردمان کسی است که خوش‌اخلاق‌ترین آنها باشد و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من نسبت به خانواده‌ام مهربان‌ترین هستم.^۳ هم‌چنین فرمودند: از کامل‌ترین مؤمنان در ایمان کسی است که خوش‌اخلاق‌ترین و با خانواده‌اش مهربان‌ترین باشد.^۴

۱- لا ینفک مؤمن مؤمنه، ان کره منها خلقتا رضی منها آخر. (الشیبانی (ابن حنبل)، مسند/احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۲۹).

۲- نساء/۱۹.

۳- أحسن الناس ایمانا أحسنهم خلقا و الطفهم بأهله و انا ألطفکم بأهلی. (الصدوق، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، صص ۴۱-۴۲).

۴- ان من أكمل المؤمنین ایمانا أحسنهم خلقا، و ألطفهم بأهله. (متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۶).

در حدیثی از حوالاء، این زن، از پیامبر درباره حق زنان بر همسران‌شان سؤال کرد، پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«... شما مردان، زنان را از خداوند به امانت گرفته‌اید و به فرمان خدا و کتاب او، به عنوان یک وظیفه و سنت و شریعت محمد بن عبدالله، آنها را بر خود حلال کرده‌اید. پس بدان سبب که جسم آنان را حلال خود ساخته‌اید و با بدن‌هایشان تماس برقرار می‌سازید و فرزندان شما را در شکم خود حمل می‌کنند چندان که درد زایمان آنها را می‌گیرد [ایشان را بر شما حقی است]. پس با آنها مهربان باشید و دل‌هایشان را خوش سازید تا در کنار شما بمانند. زنان را ناراحت نکنید و به خشمشان نیاورید و از آنچه به ایشان داده‌اید جز با رضایت و اجازه آنان چیزی برندارید.»^۱

۴. احترام به همسر

همسر باید در نظر مرد دارای احترام و شخصیت باشد و در هیچ حالی به او به دیده تحقیر نگردد و به خود اجازه هیچ گونه اهانتی به همسرش ندهد. رفتار مؤدبانه و ارج نهادن به زحمات و تلاش‌های زن، به‌ویژه در برابر دیگران، و احترام به نقشی که وی در ساختار خانواده دارد، نشان شخصیت

۱- قالت [الحولاء]: فما للنساء على الرجال؟ قال رسول الله ﷺ أخبرني أخي جبرئيل، ولم يزل يوصيني بالنساء حتى ظننت أن لا يحل لزوجها أن يقول لها: أف، يا محمد: اتقوا الله عزوجل في النساء، فإنهن عوان بين أيديكم. أخذتموهن على أمانات الله عزوجل، ما استحلتم من فروجهن بكلمة الله وكتابه من فریضة وسنة وشریعة محمد بن عبدالله ﷺ، فإن لهن علیکم حقا واجبا لما استحلتم من أجسامهن، و بما واصلتم من أبدانهن، ويحملن أولادكم في أحشائهن، حتى أخذهن الطلق من ذلك، فأشفقوا عليهن وطيبوا قلوبهن حتى يقفن معكم، ولا تکرهوا النساء ولا تسخطوا بهن، لا تأخذوا مما آتیتموهن شيئا إلا برضاهن واذنهن. (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، صص ۲۵۲ و ۲۵۳).

والای مردانی است که با ازدواج، مسئولیت‌های اخلاقی خود را در قبال همسر رعایت می‌کنند.

از رسول خدا ﷺ روایت شده: هر کس همسری اختیار کرد، باید او را گرامی بدارد.^۱ در سخن دیگری حضرت فرموده است: بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم. زنان را کسی گرامی نمی‌دارد، مگر انسان بزرگوار و کسی اهانت نمی‌کند مگر انسان فرومایه.^۲ همین‌طور از ایشان نقل است: آیا شما را از بهترینتان خبر ندهم؟ [بهترین شما کسی است] که فروتن و خوش اخلاق باشد و هر زمان قدرت [و امکان مالی] داشت، همسرش را گرامی دارد.^۳ امام زین العابدین (علیه السلام) نیز در رساله حقوق خود می‌فرماید: اما حق همسر، این است که بدانی خداوند عزوجل او را برای تو مایه آرامش و انس قرار داده است. پس بدان که این، نعمتی از جانب خدای عزوجل به توست. پس [این نعمت الهی] را گرامی بدار و با او با رفق و مدارا رفتار کن.^۴ در مقابل، در دستورات

۱- ... و من اتخذ زوجة فليكرمها. (تمیمی المغربی) القاضی ابوحنیفه، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و القضایا و الاحکام، ج ۲، ص ۵۸) و عن جعفر بن محمد، عن أبيه (علیه السلام) قال: [من اتخذ نعلًا فليستجدها، و من اتخذ ثوبًا فليستظفه، و من اتخذ دابة فليستفرها] و من اتخذ امرأة فليكرمها، فإنما امرأة أحدكم لبعته فمن اتخذها فلا يضيعها] و من اتخذ شعرا فليحسن إليه، و من اتخذ شعرا فلم يفرقه فرقه الله يوم القيامة بمنشار من نار]. (الحمیری القمی، قرب الاسناد، ص ۷۰؛ حرعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۵، ص ۶۱).

۲- خیرکم خیرکم لأهله، وأنا خیرکم لأهلی، ما أكرم النساء إلا کریم، و ما أهانهن إلا لئیم. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۱).

۳- ألا أخبرکم بخیرکم! من لان منكبیه، و حسن خلقه، و أكرم زوجته إذا قدر. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۳۵).

۴- أما حق الزوجة فإن تعلم أن الله عزوجل جعلها لك سکنًا و انسا فتعلم أن ذلك نعمة من الله عزوجل عليك فتكرمها، و ترفق بها (الصدوق، الأملی، ص ۴۵۳؛ الخصال، ص ۵۶۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۱).

دینی از تحقیر کردن زن منع شده و آثار منفی چنین رفتاری، این گونه بیان شده است که: هر کس خانواده‌اش را خوار بشمارد و آنها را تحقیر نماید، خوشی زندگی‌اش را از دست می‌دهد.^۱

۵. ملایمت داشتن و مدارا کردن با همسر

رفق و مدارا، یکی دیگر از مصادیق سلوک اخلاقی مرد با همسر است. رفق به معنای نرمی در گفتار و حرکات است؛ در مقابل خشونت و درشتی در گفتار و حرکات. مدارا نیز معنایی نزدیک به رفق دارد و به معنای نرمی و ملایمت با دیگران و تحمل ناگواری و آزار آنهاست. بنابراین ممکن است میان رفق و مدارا این گونه تفاوت گذاشت که در مدارا تحمل آزار که از سوی شخصی به انسان متوجه است وجود دارد، اما در رفق، آزار از ناحیه کسی و تحمل کردن از ناحیه دیگری وجود ندارد. (نراقی، ۱۴۲۷: ۲۰۵)

نرم‌خویی و با عطفوت برخورد کردن با همسر از سوی مردان، نقش مهمی در تقویت بنیان‌های خانواده ایفا می‌کند که مورد توجه اولیای دین نیز قرار گرفته است.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ فرموده‌اند: ملایمت، میمون است و خشونت، شوم. هر گاه خداوند برای خانواده‌ای خیری بخواهد، ملایمت را بر آن خانواده وارد می‌سازد، زیرا ملایمت هیچ گاه با هیچ چیز همراه نمی‌شود مگر این که آن چیز را زینت ببخشد، و خشونت هرگز با چیزی همراه

۱- من اهان خمسا خسر خمسا: [من استخف بالعلماء خسر الدین و من استخف بالأمرء خسر الدنیا و من استخف بالجيران خسر المنافع و من استخف بالأقرباء خسر المروءة] و من استخف بأهله خسر طیب عیسه. (الحسینی، المواعظ العمدیه، ص ۲۵۵).



نمی‌شود، مگر این که آن چیز را زشت بگردانند.^۱ امام علی علیه السلام می‌فرماید: زن گل است و لطیف، نه کارگزار و دلیر؛ پس در همه حال با او مدارا کن و با وی به خوبی همنشینی نمای تا زندگی‌ات همراه با صفا و صمیمیت باشد.^۲ آن حضرت در مورد تأثیر رفق و مدارا در زندگی فرموده‌اند: سلامت زندگی، در مدارا کردن و سازش است.^۳

۶. عفو و گذشت از بدی‌های همسر

از صفات نیک و پسندیده‌ای که در یک سلوک اخلاقی از شوهران انتظار می‌رود، گذشت از بدی‌ها و اذیت‌هایی است که از ناحیه همسر به شوهر می‌رسد. بسیار اتفاق می‌افتد شوهر در برابر بدزبانی‌ها و بداخلاقی‌ها و بدرفتاری‌های همسر، همانند او عمل کرده و بدی‌ها و اذیت‌های او را با بدی و اذیت جواب می‌دهد؛ در حالی که در سیره معصومان علیهم السلام خلاف این رفتار مشاهده می‌شود و در سخنان ایشان نیز، شوهران به عفو و بخشش از رفتارهای آزاردهنده همسر دعوت شده‌اند.

در روایات با سه تعبیر «عفو»، «صفح» و «مغفرت» از این صفت یاد شده است. از نظر علمای لغت، عفو به معنای ترک مجازات گناهکار است و صفح، افزون بر این که ترک مجازات را در بردارد، به این معنا است که حتی از سرزنش کردن

۱- الرفق یمن، والخرق شوم، فإذا أراد الله بأهل بیت خیراً أدخل علیهم باب الرفق، فان الرفق لم یکن فی شیء قط إلا زانه وان الخرق لم یکن فی شیء قط إلا شانه. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، صص ۵۱-۵۲).

۲- فإن المرأة ریحانة ولیست بقهرمانة فدارها علی کل حال، و أحسن الصحبة لها لیصفو عیشک. (الصدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶).

۳- سلامة العیش فی المداراة. (الآمدی، غررالحکم، ح ۵۶۰۷).



گناهکار نیز اجتناب شود و مغفرت، عبارتست از این که گناهکار گناهش پوشیده ماند و کسی از آن خبردار نشود تا وی خوار و رسوا نگردد. به تعبیر دیگر، عفو، اسقاط عذاب جسمانی است و مغفرت [و صفح]، اسقاط عذاب روحانی است و تجاوز، اعم از این دو است. (بیات، ۳۶۲: ۱۴۳۱-۳۶۳) البته علمای اخلاق، از این صفت اخلاقی به طور کلی با نام عفو یاد کرده و عفو را ضد انتقام دانسته و گفته‌اند عفو آن است که شخص از حقی که برای مقابله به مثل یا گرفتن غرامت یا قصاص دارد بگذرد و از استیفای آن صرف نظر کند. (نراقی، ۱۴۲۷: ۲۰۳)

بر اساس آنچه گفته شد، در روابط زناشویی چنانچه زن نسبت به مرد با زبان و رفتار و اخلاق خود، بدی یا اذیتی کرد یا در انجام حقوقی که به عهدهٔ مرد داشت کوتاهی نمود، مرد نباید از او انتقام بگیرد و رفتاری مانند او داشته باشد تا بدین وسیله بخواهد او را مجازات کند، بلکه باید از حق خود بگذرد و او را سرزنش و توبیخ نکند. باید بدی او را بپوشد و کردهٔ بدش را برای او یا دیگران آشکار نسازد و با بزرگواری از آن بگذرد و او را عفو نماید؛ همان چیزی که از اولیای دین نیز سراغ داریم. ابو عبدالله جدلی می‌گوید به عایشه گفتم: اخلاق پیامبر ﷺ با خانواده‌اش چگونه بود؟ گفت: نیک‌خوترین مردمان بود، نه به کسی فحش می‌داد و نه بدزبانی می‌کرد و نه در کوچه و بازار هیاهو راه می‌انداخت و نه بدی را با بدی جبران می‌کرد، بلکه [بدی خانوادهٔ خود را] می‌بخشید و از آنها می‌گذشت. (همان)

امام زین العابدین علیه السلام در رسالهٔ حقوق فرموده‌اند: حق همسرت، این است که بدانی خداوند او را مایهٔ آرامش و همدلی تو قرار داده است. پس باید بدانی که این، لطف و نعمتی است از سوی خدا به تو، تا این که او را گرمی بداری و با وی نرم خو باشی؛ هر چند حق تو بر او واجب‌تر است. پس حق او

بر تو این است که با وی مهربان باشی؛ زیرا او در بند و در اختیار توست. باید او را خوراک و پوشاک بدهی و هر گاه کاری [اشتباه و بد] را از روی جهل انجام داد، از او بگذری.^۱ در روایتی از امام صادق علیه السلام، راوی می گوید از آن بزرگوار پرسیدم: حق زن بر مرد چیست که اگر مرد آن حق را به جا آورد، مرد نیکوکاری است؟ حضرت فرمود: او را سیر می کند و بدنش را می پوشاند و اگر از روی جهالت کار ناشایستی کرد او را عفو می نماید و از او در می گذرد. سپس حضرت فرمودند: پدرم، امام باقر علیه السلام زنی داشت که آن حضرت را اذیت می کرد، اما ایشان او را می بخشید.^۲

۷. تغافل و چشم پوشی از اشتباهات همسر

نادیده گرفتن و چشم پوشی کردن از اشتباهات همسر که ممکن است به علت بی تجربگی، غفلت، سهو یا فراموشی و حتی تعمد از سوی او سر بزند، از اموری است که باید در روابط زناشویی به ویژه در اوایل زندگی زناشویی مورد توجه مرد واقع گردد تا زندگی همراه با آرامشی را با یکدیگر داشته باشند. امام علی علیه السلام فرموده اند: هر کس از بسیاری امور، تغافل و چشم پوشی نکند، زندگی اش تیره شده و از آن لذتی نمی برد.^۳ در توصیه امام

۱- وأما حق الزوجة فأن تعلم أن الله عزوجل جعلها لك سكنا وانسا فتعلم أن ذلك نعمة من الله عزوجل عليك فتكرمها، وترفق بها، وإن كان حَقك عليها أوجب فإن لها عليك أن ترحمها لأنها أسيرك، وتطعمها وتكسوها، وإذا جهلت عفوت عنها. (الصدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱).

۲- قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما حق المرأة على زوجها الذي إذا فعله كان محسنا؟ قال: يشبعها ويكسوها وإن جهلت غفر لها وقال أبو عبد الله عليه السلام: كانت امرأة عند أبي عليه السلام تؤذيه فيغفر لها. (كليني، الكافي، ج ۵، ص ۵۱۱؛ حرّ عاملي، وسائل الشيعة (آل البيت)، ج ۲۰، ص ۱۶۹).

۳- من لم يتغافل ولا يبغض عن كثير من الأمور تنغصت عيشته. (الآمدی، غررالحکم، ح ۹۱۴۹).

زین العابدین علیه السلام به امام باقر علیه السلام نیز آمده است: بدان ای فرزندم! درستی کار دنیا به طور کلی در دو کلمه خلاصه می شود: اصلاح امور زندگی، همانند پیمانۀ پُری است که دو سوم آن، توجه و هوشیاری است و یک سوم آن چشم پوشی؛ چرا که انسان از چیزی که می داند و متوجّه آن است همیشه چشم پوشی می کند.^۱

۸. صبر بر بد اخلاقی همسر

تشویق مرد به صبر در برابر بد اخلاقی های همسر، یکی از توصیه های معصومین علیهم السلام به مردان است. صبر دارای اقسامی است که در این جا با توجه به روایات مرتبط با این موضوع در بحث زناشویی، تنها به دو قسم آن، یعنی صبر در مقابل غضب و صبر در مقابل جزع، (نراقی، ۱۴۲۸: ۶۳۸) اشاره می کنیم.

صبر در مقابل غضب همان صبر در فرو خوردن خشم است که به آن حلم نیز می گویند؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شکیایی مرد در برابر «بد اخلاقی» زن و این که مرد به جای خشم و بد اخلاقی، لازم است حلم و صبر پیشه کند، می فرماید: مردی که به امید پاداش الهی در برابر بد خلقی زن بد اخلاقش صبر کند، خداوند پاداش شکر گزاران را به وی عطا خواهد کرد.^۲ درباره شکیایی مرد در مقابل «بد زبانی» زن نیز در سخنی از امام باقر علیه السلام آمده است: کسی که حتی بر یک

۱- واعلم یا بنی أن صلاح الدنيا بحذاقها في كلمتين إصلاح شأن المعاش ملء مكیال ثلثاه فطنة وثلاثة تغافل لان الانسان لا يتغافل إلا عن شيء قد عرفه ففطن له. (الخزاز القمی، كفاية الأئمة: ۲۴۰؛ المجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۲۳۰ - ۲۳۱).

۲- ومن صبر علی خلق امرأة سیئة الخلق واحتسب فی ذلك الاجر أعطاه الله ثواب الشاکرین. (الصدوق، الامالی، ص ۵۱۶؛ حرّعاملی، وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۲۰، ص ۱۷۴).

سخن ناگوار زن شکیبایی کند، خداوند او را از دوزخ رهایی بخشد و بهشت را برایش حتمی سازد و دویست هزار حسنه برایش بنویسد و دویست هزار گناه از او محو نماید و دویست هزار درجه بالایش برد و به هر موی تنش عبادت سالی برایش بنویسد.^۱

اما صبر در برابر جزع، همان صبر بر مکروه و امور ناخوشایند و مصائب است که شخص به جای نالیدن و بی‌قراری کردن و دلتنگ شدن در سختی و بلا و مصیبتی که خدا برایش خواسته، پایداری و مقاومت می‌کند و زبان خود را از شکایت باز می‌دارد. در این باره در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم که فرموده‌اند: مردی که بر بدخویی همسرش صبر کند، خداوند اجر مصائب ایوب را به وی می‌دهد.^۲ به همین مضمون، در روایتی دیگر از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل است: هر مردی که به خاطر خدا، در برابر بداخلاقی زنش صبر کند، خداوند متعال برای هر بار [یا هرروز و شی] که بر بداخلاقی او صبر می‌کند، همانند ثوابی را به او می‌دهد که به ایوب عَلَيْهِ السَّلَام در برابر گرفتاری‌اش داد، و گناه [بداخلاقی] زن نیز در هر شب و روز، به اندازه ریگ‌های ریگستان است.^۳ در حکمت‌های منسوب به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام

۱- من احتمال من امرأته ولو كلمة واحدة أعتق الله رقبة من النار وأوجب له الجنة وكتب له مائتي ألف حسنة ومحا عنه مائتي ألف سيئة و رفع له مائتي ألف درجة وكتب الله عزوجل له بكل شعرة على بدنه عبادة سنة. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۶).

۲- من صبر على سوء خلق امرأته أعطاه الله من الاجر ما أعطى أيوب عَلَيْهِ السَّلَام على بلائه. (طبرسی، مکارم الاخلاق، صص ۲۱۳ - ۲۱۴).

۳- ومن صبر على سوء خلق امرأة واحتسبه أعطاه الله تعالى بكل مرة [بكل يوم و ليلة] يصبر عليها من الثواب ما أعطى أيوب عَلَيْهِ السَّلَام على بلائه وكان عليها من الوزر في كل يوم و ليلة مثل رمل عالج. (الصدوق، ثواب الأعمال: ۲۸۷ - ۲۸۹).



می خوانیم: جزیه مؤمن، همان اجاره منزل اوست و عذاب او، بد اخلاقی همسرش.^۱ در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز درباره حضرت ابراهیم می خوانیم: ابراهیم از بد اخلاقی همسرش ساره به خداوند شکایت کرد؛ خداوند به وی وحی کرد: زن هم چون استخوان دنده است، اگر بخواهی آن را راست کنی می شکند ولی اگر او را به حال خود واگذاری از آن بهره مند می شوی. [پس] در برابر اخلاق بد او باید صبر پیشه سازی.^۲ درباره صبر حضرت یونس، در کتاب های اهل سنت نقل شده: عده ای بر حضرت یونس علیه السلام وارد شدند و یونس به پذیرایی از آنها پرداخت. هر چه به درون خانه رفت و آمد می کرد همسرش او را آزار می داد و به وی گستاخی می کرد؛ اما یونس سکوت می کرد و هیچ نمی گفت. میهمانان از این برخورد تعجب کردند. یونس فرمود: تعجب نکنید؛ زیرا من از خداوند متعال درخواست کردم و گفتم هر کیفری را که می خواهی در آخرت به من بدهی در همین دنیا به من برسان. خداوند فرمود: کیفر تو دختر فلان کس است که با او ازدواج می کنی. من با او ازدواج کردم و بر کارهای او، همان گونه که می بینید، صبر می کنم. (غزالی، ۱۴۲۱: ۴۶)

۱- جزیه المؤمن کراء منزله وعذابه سوء خلق زوجته. (عبد الحمید بن محمد المعتزلی (ابن ابی الحدید)، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۳۰۰).

۲- إن إبراهيم عليه السلام شكأ إلى الله عز وجل ما يلقى من سوء خلق سارة، فأوحى الله تعالى إليه إنما مثل المرأة مثل الضلع المعوج إن أقمته كسرتة وإن تركته استمعت به، اصبر عليها. (كليني، الكافي، ج ۵: ۵۱۳).

۹. خدمت کردن به همسر

تلاش برای فرو کاستن از بار مسئولیت و اشتغالات زنان در داخل منزل از دیگر نمونه‌های سلوک اخلاقی مردان است. خدمت کردن و کمک شوهر به همسر در انجام کارهای منزل، به‌ویژه در هنگام بیماری و ناتوانی زن یا دربارهٔ زنانی که به‌دلیل اشتغال به کار در خارج از منزل، افزون بر کارهای خانه، در محل کار عهده‌دار مسئولیت و فعالیت هستند، می‌تواند در تقویت رابطهٔ صمیمانه بین زن و مرد و معاشرت نیکو کمک فراوانی کند.

با اطمینان می‌توان گفت بخشی از ناراحتی‌ها و اختلافات خانوادگی به ویژه برای زنانی که در بیرون از خانه به کارهای نامتناسب با روحیه و توان زنان اشتغال دارند، ناشی از همکاری نداشتن و یاری نرساندن شوهر به همسر و تحمیل انجام کارهای درون و بیرون منزل به زنان است. اسلام، مردان را به خدمت‌گزاری و کمک به زنان در خانه به‌ویژه برای رفع نیازهای آنها، توصیه و تشویق کرده و با بیان پاداش الهی برای مردِ خدمت‌گزار، خدمت کردن در منزل را نشانهٔ مردان بزرگ و مؤمن واقعی شمرده شده است.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«خدمتِ تو به همسرت، صدقه [و نشان صداقت و راستی تو به

همسرت] است.»^۱

در چند روایت دیگر، رسول خدا ﷺ، مصادیقی از این خدمت، مانند آب و غذا و نفقه به زن را بیان کرده‌اند؛ مثل این که: مرد، هر گاه به همسرش

۱- خدمتک زوجتک صدقة (متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۸). منظور از صدقه در این روایت، معنای لغوی آن است؛ یعنی کاری که از روی صداقت و صفا انجام می‌شود نه معنایی که در اصطلاح گفته می‌شود به فقیر کمک کنید.

آبی بنوشاند، پاداش می‌برد.^۱ یا خطاب به سعد بن ابی وقاص فرمودند: هر نفقه‌ای که می‌دهی و با آن رضای خداوند را می‌جویی، برای آن، مزد می‌یابی؛ حتی برای لقمه‌ای که [در حال بیماری یا سلامت] در دهان همسرت می‌گذاری.^۲ برای هر نفقه و مخارجی که هزینه خانواده‌ات می‌کنی، مزدت می‌دهند؛ حتی برای لقمه‌ای که به طرف دهان همسرت می‌بری.^۳ از مؤمن دربارهٔ قضای الهی در شگفتم؛ چرا که اگر به او خیری رسد، پروردگارش را سپاس و شکر می‌گذارد و اگر به او مصیبتی رسد، سپاس پروردگار به جای آورده و صبر پیشه می‌کند. به مؤمن، برای هر چیزی پاداش داده می‌شود؛ حتی برای لقمه‌ای که در دهان همسرش می‌گذارد.^۴

دربارهٔ انسان‌های عالی مقام و مؤمن حقیقی، حضرت رسول ﷺ می‌فرماید:

«هر کس از سه کار تکبیر نوزد مؤمن حقیقی است: خدمت به خانواده، نشستن با فقرا و غذا خوردن با خدمتکارش. این کارها از نشانه‌های آن مؤمنانی است که خداوند در کتابش از آنان این‌گونه یاد کرده است: اینان

۱- إن الرجل إذا سقى امرأته من الماء أجر (احمد بن حنبل، مسند/احمد، ج ۴، ص ۱۲۸؛ السیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۳۸).

۲- إنك لن تنفق نفقةً تبغى بها وجه الله إلا أجرت عليها حتى ما تجعل في فم امرأتك (البخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۰).

۳- إنك مهما أنفقت على أهلک من نفقة فإنک تؤجر فیها حتى اللقمة ترفعها إلى فی امرأتک (احمد بن حنبل، مسند/احمد، ج ۱، ص ۱۷۲).

۴- عجت من قضاء الله عزوجل للمؤمن ان أصابه خیر حمد ربه و شکر وان أصابه مصیبة حمد ربه و صبر. المؤمن يؤجر فی کل شیء حتى فی اللقمة یرفعها إلى فی امرأته. (احمد بن حنبل، مسند/احمد، ج ۱، ص ۱۷۳).

مؤمنان حقیقی هستند.^۱ و به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ای علی! هر کس از خدمت کردن به همسر تکبر نکند، بدون حساب به بهشت وارد می‌شود. ای علی! خدمت به خانواده کفاره گناهان کبیره است و غضب پروردگار را برطرف می‌کند. [کسی که در این دنیا به همسرش خدمت می‌کند، این خدمت در آخرت] مهریه حورالعین است و زیادی حسنات و درجات را در پی دارد. ای علی! به خانواده خود خدمت نمی‌کند، مگر انسان راستگو یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد.^۲ در مورد سیره عملی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه آمده است: از عایشه سؤال شد: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه‌اش چه می‌کرد؟ عایشه گفت: به همسرش کمک و خدمت می‌کرد و چون وقت نماز می‌شد، برای نماز [از خانه] بیرون می‌رفت.^۳ درباره علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز نقل شده است: روزی پیامبر وارد بر خانه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شدند، دیدند علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و فاطمه به همراه یکدیگر سرگرم آرد کردن گندم در آسیاب دستی هستند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کدام یک خسته‌تر

۱- من لم يأنف من ثلاث فهو مؤمن حقا خدمة العيال والجلوس مع الفقراء والأكل مع خادمه هذه الأفعال من علامات المؤمنين الذين وصفهم الله في كتابه «أولئك هم المؤمنون حقا». (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۶، ص ۲۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۵۵).

۲- یا علی، من لم یأنف من خدمة العیال دخل الجنة بغير حساب، یا علی خدمة العیال كفارة للكبائر، ویطفي غضب الرب، و مهور حور العین، و یزید فی الحسنات و الدرجات، یا علی، لا یخدم العیال الا صدیق أو شهید أو رجل یرید الله به خیر الدنیا و الآخرة. (النوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۹؛ المجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲).

۳- سُئِلَتْ عائشة ما كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يصنع في بيته قالت كان يكون في مهنة أهله (تعني في خدمة أهله) فإذا حضرت الصلاة خرج إلى الصلاة (البخاری، صحيح البخاری، ج ۱، ص ۱۶۴) عروة قال قلت لعائشة یا أم المؤمنین أي شئ كان يصنع رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إذا كان عندك قالت ما يفعل أحدكم في مهنة أهله يخفف نعله ويخط ثوبه ويرقع دلوه. (ابن حبان، صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۴۹۰).

هستید؟ علی علیه السلام فرمود: فاطمه خسته تر است یا رسول الله! رسول خدا فرمود: از جای خود بلند شو فرزندم! فاطمه زهرا بلند شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله بر جای او نشستند و با کمک علی علیه السلام دانه های گندم را آرد کردند.^۱

۱۰. شاد کردن همسر

از اموری که بر استحکام خانواده می افزاید و رابطه زناشویی را نیکوتر می کند و به راستی از مصادیق معاشرت نیکوی مرد با همسر است، این است که مرد، همسر و اعضای خانواده خود را به هر وسیله ای که می تواند شاد سازد؛ هرچند با خرید هدیه یا کالا یا شوخی کردن با آنها باشد. خریدن چیزهایی که همسر دوست دارد، علاوه بر قدرشناسی از زحمات همسر، پیام آور مهر و محبت برای همسر است و شادی و سرور را برای همسر به همراه خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: هر کس خانواده اش را شاد سازد، خداوند از شادی، مخلوقی می آفریند که تا روز قیامت برایش طلب آمرزش می کند.^۲ خداوند مردی را که هرگاه از بازار برمی گردد چیزی در [دست و] آستینش می گیرد و برای خانواده اش می آورد و آنان از آن شاد می شوند، دوست دارد؛ پس خداوند به او بر فرشتگان مباحثات

۱- دخل رسول الله صلی الله علیه و آله علی فوجده هو و فاطمة علیها السلام بطحنان فی الجاروش. فقال النبی صلی الله علیه و آله أیکما أعیی؟ فقال علی: فاطمة یا رسول الله. فقال لها: قومی یا بنیة، فقامت و جلس النبی صلی الله علیه و آله موضعها مع علی علیه السلام فواساه فی طحن الحب. (المجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۰).

۲- من أدخل علی أهل یته سرورا خلق الله من ذلك السرور خلقا یتستغفر له إلى یوم القیامة. (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۹).

می‌کند.^۱ کسی که به بازار وارد شود و هدیه‌ای [مانند طلا یا لباس] بخرد و آن را برای خانواده‌اش ببرد، [ثواب آن] همانند کسی است که برای عده‌ای نیازمند صدقه می‌برد و [اگر هدیه را برای فرزندان خریده] باید آن هدیه را نخست به دختران بدهد سپس به پسران.^۲

در صورتی که مرد امکان شادساختن همسر را از طریق تقدیم هدیه نداشته باشد، می‌تواند با شوخی کردن و خنداندن همسر و حتی بازی کردن با وی، او را شادمان کند. اصولاً محیط خانه نیازمند فضای تازه و شاداب است و با شوخی کردن می‌توان خستگی را که با انجام امور خانه و فرزنداری برای همسر به وجود آمده است، برطرف کرد.

در روایت می‌خوانیم: پیامبر با همسران خود شوخی و مزاح می‌کرد.^۳ البته حضرت نه تنها با همسران خود شوخی می‌کرد که بنا به روایتی از آنس، پیامبر ﷺ شوخ طبع‌ترین مردم با زنانش بود.^۴ آن حضرت با توجه به میزان عقل [عملی و روحیه‌ای] که همسرانشان در کارها و اخلاقشان داشتند با آنها رفتار می‌کرد؛ چنان که روایت شده است: پیامبر با همسر خود عایشه مسابقه دویدن گذاشتند. در یک نوبت عایشه بر حضرت پیشی گرفت و در نوبت دیگری حضرت

۱- إن الله عزوجل ليحب الرجل من خلقه إذا انصرف من سوقه فيأخذ شيئاً في كفه لعيلته فيفرحوا به فيباهي الله به الملائكة. (شبرويه بن شهردار الديلمي الهمداني، الفردوس، ج ۱، ص ۱۶۸).

۲- من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها إلى عياله، كان كحامل صدقة إلى قوم محابويع، وليبدأ بالإناث قبل الذكور ... (الصدوق، الأمايلي، صص ۶۷۲ - ۶۷۳).

۳- وكان رسول الله يمزح مهن. (غزالي، احياء العلوم الدين، ج ۱، ص ۶۱).

۴- عن أنس قال كان النبي ﷺ من أفكه الناس [مع نساءه]. (علي بن الحسن بن هبه الله الدمشقي، (ابن عساكر)، تاريخ مدينة دمشق، ج ۴، ص ۳۷). در احياء العلوم غزالي (ج ۱، ص ۶۲) حدیث با اضافه «مع نساءه» آمده است.

بر او پیشی گرفتند، آن‌گاه حضرت [به شوخی] به او فرمود: این [پیروزی] در عوض آن [شکست].^۱

باید دانست که در شوخی با همسر باید میانه‌روی را رعایت کرد؛ چراکه شوخی و مزاح زیاد، هیبت و ابهت مرد را که لازمهٔ یک مدیریت توانمند است، از بین برده و چه بسا مشکلاتی را در روابط زناشویی ایجاد نماید. اسلام همان‌گونه که به شوخی کردن دعوت کرده، از زیادی شوخی نیز منع کرده است. امام علی^۷ فرمودند: کسی که شوخی او زیاد شود، از ابهت او کاسته شود.^۲ در سخن دیگری فرمود: زیاد شوخی کردن، آبروی آدمی را از بین می‌برد و خندهٔ زیاد ایمان را نابود می‌کند.^۳

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت با بخشی از نگاه اسلام به مسئلهٔ سلوک اخلاقی شوهر با همسر آشنا شدیم و دریافتیم که اولاً اسلام در روابط زناشویی نگاهی اخلاقی به این موضوع دارد و در کنار توجه به روابط حقوقی و فقهی در میان زن و مرد، با تأکیدها و سفارش‌های فراوانی که به مسائل اخلاقی به‌ویژه به شوهران دارد، اهمیت و تقدّم رابطهٔ اخلاقی بر رابطهٔ حقوقی را در زندگی زناشویی یک اصل محوری و راهبردی می‌داند. ثانیاً در روابط زناشویی، اسلام به زن نگاه پرمهر و عطف‌تری نسبت به مرد دارد و این

۱- و كان رسول الله يمزح مهنً و ينزل الى درجات عقولهن في الاعمال و الاخلاق حتى روى: انه كان يسابق في العدو

فسيقته يوما و سبقها في بعض الايام فقال ﷺ هذه بتلك. (غزالي، *احياء العلوم والدين*، ج ۱، ص ۶۱).

۲- من اكثر مزاحه قلت هيئته. (الآمدی التميمي، *غرر الحکم و درر الکلم*؛ ح ۷۱۰۱).

۳- كثرة المزاح تذهب بماء الوجه و كثرة الضحك تمحو الايمان. (الصدوق، *الأمالي*، ص ۳۴۴).



نگاه تشریحی به طرفداری از زن، هماهنگ و متناسب با نیاز تکوینی زن به رفتارهای عاطفی با وی است. ثالثاً مسئله خدا و معاد و پاسخ گوبودن شوهر و همین طور بحث ثواب‌ها و کیفرها، به عنوان یکی از ضمانت‌های مهم اجرای اصول اخلاقی در اسلام مطرح است تا شوهر، که از اختیارات و قدرت بیشتری نسبت به همسر برخوردار است، در معاشرت خود مراقبت بیشتری کرده و از لغزش‌های اخلاقی درباره همسر اجتناب نماید. رابعاً قرآن و برخی روایات، با توصیه‌های کلی به سلوک اخلاقی با همسر و بدون ذکر مصداق، نشان داده‌اند که دین اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای اخلاقی در همه جوامع و همه زمان‌ها، ظرفیت لازم را داراست و این دین، تنها به آموزه‌های اخلاقی برای راهنمایی انسان اکتفا نمی‌کند و برای عقل و عرف پسندیده نیز در تشخیص مصادیق اخلاقی، اعتبار قائل است.



منابع

۱. الآمدي التميمي، عبدالواحد، ۱۳۶۱، غررالحكم و دررالكلم، (ترجمه و شرح غررالحكم)، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابن ابى بكر السيوطي، عبدالرحمن، بى تا، الدر المنثور فى تفسير المأثور، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.
۳. ابن حبان، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ق، ۱۹۹۳م، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، الطبعة الثانية، بيروت: مؤسسة الرسالة.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد الشيباني (ابن حنبل)، بى تا، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر.
۵. ابن شعبة الحراني، الحسن بن على، ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، الطبعة الثانية، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۶. ابن على الحسنى الرواندى، فضل الله، ۱۳۷۷ش، النوادر، الطبعة الاولى، قم: دارالحديث.
۷. ابن محمد المعتزلى، عبد الحميد (ابن أبى الحديد)، ۱۳۸۷ق، شرح نهج البلاغة، الطبعة الثانية، بيروت: داراحياء التراث.
۸. ابن هبه الله الدمشقى، على بن الحسن (ابن عساكر)، ۱۴۱۵ق، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۹. البخارى، محمد بن اسماعيل، ۱۴۰۱ق، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۱۰. بيات، بيت الله، ۱۴۳۱ق، معجم الفروق اللغويه، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامى.

۱۱. البیهقی، احمد بن الحسین، ۱۴۱۴ق، السنن الكبرى، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. الترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۰۳ق، سنن الترمذی (الجامع الصغیر)، الطبعة الثانية، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۳. تمیمی المغربی (القاضی ابوحنیفه)، النعمان بن محمد، ۱۳۸۹ق، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و القضايا و الاحکام، الطبعة الثالثة، مصر: دار المعارف.
۱۴. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، زن و خانواده در افق وحی، قم: بوستان کتاب.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، قم: اسراء.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (آل البيت ۳۰ جلدی)، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام لإحياء التراث.
۱۷. الحرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳ش، تحف العقول، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۱۸. الحمیری القمی، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الاسناد، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام لإحياء التراث.
۱۹. الخزاز القمی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ق، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، چ ۱، قم: بیدار.
۲۰. الدیلمی الهمدانی، شیرویه بن شهردار، ۱۴۰۶ق، الفردوس بمأثور الخطاب، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. الراغب الأصفهانی، الحسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الثانية، بی جا: دفتر نشر الكتاب.

٢٢. الراوندى (قطب الدين الراوندى)، سعيد بن هبه الله، ١٤٠٧ق، الدعوات، الطبعة الأولى، قم: مدرسة الامام المهدي (عج).
٢٣. الصدوق، محمد بن على، ١٤٠٣ق / ١٣٦٢ش، الخصال، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية فى قم المقدسة.
٢٤. الصدوق، محمد بن على، ١٤٠٤ق، عيون أخبار الرضا عليه السلام، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
٢٥. الصدوق، محمد بن على، بى تا، من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
٢٦. الصدوق، محمد بن على، ١٤١٧ق، الأمالى، ج ١، قم: مؤسسه البعثة.
٢٧. الطباطبائى، سيد محمد حسين، بى تا، الميزان فى تفسير القرآن، قم: جامعة مدرسين حوزة علمية قم.
٢٨. طبرسى، فضل بن حسن، ١٣٧٢ش، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو.
٢٩. طبرسى، فضل بن حسن، ١٤٠٨ق، مكارم الاخلاق، بيروت: دارالحوارا.
٣٠. الطوسى، محمد بن الحسن، ١٤١٤ق، الامالى، ج ١، قم: دارالثقافه.
٣١. الطوسى، محمد بن الحسن، ١٣٦٥ش، تهذيب الاحكام، الطبعة الرابعة، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٣٢. عبدالباقى، محمد فواد، ١٣٦٤، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، القاهرة: دارالكتب المصرية.
٣٣. الغزالى، محمد بن محمد، ١٤٢١ق، احياء علوم الدين، الطبعة الاولى، بيروت: دارالتقوى للتراث.
٣٤. قرطبى، محمد بن احمد، ١٣٦٤ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷ش، الکافی، الطبعة الثالثة، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم والمواعظ، الطبعة الاولى، قم: دارالحديث.
۳۷. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، الطبعة الثالثة، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۲، ج ۲۰، تهران: صدرا.
۴۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر، بی تا، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. النراقی، محمد مهدی، ۱۴۲۷، جامع السعادات، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۲. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
۴۳. الهیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، ۱۴۰۸ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.